

بررسی رابطه ولی- فرزندی و اختلالات برون نمود در کودکان با مادر شاغل و غیر شاغل

The Comparison of Child-Parent Relationship and Externalizing Disorders in Children with Employed and Unemployed Mother

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۲/۱۸، تاریخ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۹۴/۴/۲۲، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۶/۲۰

A. Khodabakhshi koolae., (Ph.D), Sh., Hassani, (MA) & M.r Falsafinejad., (PhD)

آناهیتا خدابخشى کولایى^۱، شهرزاد حسنى^۲ و محمدرضا فلسفى نژاد^۳

Abstract: The aim of current study is the comparison of the relationship between parent-child and externalizing disorders in children with employed and unemployed mother. This research is a causal-comparative study. The sample size is 200 employed and unemployed women with children, boys and girls, from 5-6 years age of kindergartens of Arak city in 2014-15. The method research is a cluster sampling. It was utilized the Child Behavior Checklist (CBCL), parent-child relationship survey (PCRS), and assessment of maternal employment status to gather the data. It was used the t test independent to analyze the data. The results indicated that there is a significant difference between relationship parent-child among employed and unemployed mothers. In addition, it was not observed any significant difference in externalizing disorders among children of these mothers. The findings show that the lack of employed mothers' present influences the quality of the child relation, however, the other factors other than employment is effective on creating the externalizing behaviors.

چکیده: هدف پژوهش حاضر مقایسه رابطه ولی- فرزندی و اختلالات برون نمود در کودکان با مادر شاغل و غیرشاغل است. پژوهش حاضر یک مطالعه علی- مقایسه‌ای است. حجم نمونه ۲۰۰ مادر شاغل و غیرشاغل دارای کودکان پسر و دختر ۵ تا ۶ ساله مهد کودک‌های شهر اراک در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۹۴ است. روش پژوهش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای است. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه مشکلات رفتاری کودک (CBCL)، پرسشنامه ارزیابی رابطه والد- فرزند (PCRS) و پرسشنامه سنجش وضعیت اشتغال مادران استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون T مستقل استفاده شد. نتایج نشان داد تفاوت معناداری بین رابطه‌ی ولی فرزندی در بین مادر شاغل و مادران غیرشاغل وجود دارد. تفاوت معناداری در متغیر اختلالات برون نمود در کودکان این گروه از مادران دیده نشد. یافته‌ها نشان داد فقدان حضور مادران شاغل بر کیفیت رابطه با کودک تاثیر می‌گذارد ولی در ایجاد رفتارهای برون نمود عوامل دیگری به غیر از اشتغال مادر موثر است.

Key word: Child-Parent relationship, Externalizing disorders, Maternal employment

کلید واژه‌ها: رابطه ولی- فرزندی، اختلالات برون نمود، اشتغال مادران

۱. استادیار گروه مشاوره و روانپشناسی، دانشگاه غیرانتفاعی خاتم، تهران، ایران

anna_khodabakhshi@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد روان شناسی، سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت، اراک، ایران

۳. دانشیار گروه سنجش و اندازه‌گیری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مقدمه

خانواده اولین پایه‌گذار شخصیت، ارزش‌ها و معیارهای فکری است و رابطه والدین با فرزندان نقش مهمی در سلامت روان آن‌ها دارد (خدایاری فرد، ۱۳۸۲). به این معنا که، رابطه ولی-فرزندی، به‌طور ویژه رابطه مادر-کودک از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. گاهی اوقات ارتباط اشتباه والدین با کودکان خود باعث ناهنجاری‌های رفتاری در کودکان می‌گردد (حسن‌زاده و چراغی، ۱۳۹۰). مطالعات نشان داده‌اند، مادرانی که دارای رابطه ولی-فرزندی مناسبی با کودکان خود نیستند، فرزندان‌شان دارای اختلالات خواب، مشکلات رفتاری و ناسازگاری و مشکلات برون نمود^۱ بیشتری هستند (سونگ^۲، هیسکوک^۳، سیبراس^۴ و همکاران، ۲۰۰۸). اختلالات برون‌نمود دربرگیرنده‌ی دو گروه رفتارهای قانون‌شکنانه و پرخاشگرانه است که در قالب سه اختلال نارسایی توجه/فزون‌کنشی، اختلال رفتار هنجاری^۵ و اختلال نافرمانی^۶ در DSM-IV-TR آمده‌اند (ماش و بارکلی، ۲۰۰۲ به‌نقل از جلالی و همکاران، ۱۳۸۸). نتایج پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهند که اختلالات برونی‌سازی، بیشتر به کلینیک‌ها ارجاع داده می‌شوند (کازدین^۷، وایتلی^۸، ۲۰۰۳؛ برسلو^۹ و همکاران، ۱۹۹۹، به‌نقل از بیرامی، ۱۳۸۸). در جمعیت‌های ارجاع شده به کلینیک‌ها، میزان شیوع این اختلالات بالای ۵۰ درصد گزارش شده، لذا بخش وسیعی از موارد بالینی را شامل می‌شوند (کوستین^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۴). اما باید توجه داشت که بسیاری از کودکانی که در سال‌های نخستین کودکی واجد مشکلات عاطفی و رفتاری هستند نه تنها به سادگی از آن عبور نمی‌کنند، بلکه ممکن است این امر تا دوران بلوغ و حتی بزرگسالی نیز تداوم یابد (گیمپل^{۱۱} و هالند^{۱۲}، ۲۰۰۲). که مبتنی بر پذیرش این واقعیت است که مشکلات عاطفی و رفتاری اغلب به‌طور طبیعی کاهش نخواهد یافت، که موجب معطوف شدن توجه فزاینده‌ای به پیشگیری و درمان در این مشکلات شده است (کارت‌رایت-هاربون^{۱۳}، ۲۰۰۵، به-

-
1. Externalizing behavior
 2. Sung
 3. Hiscock
 4. Sciberras
 5. Normative misbehavior
 6. Defiant disorder
 7. Kazdin
 8. Whitley
 9. Breslow
 10. Costin
 11. Gimpel
 12. Holland
 13. Cartright-Hattont

نقل از جلالی و همکاران، ۱۳۸۸). در باب علت‌شناسی این اختلالات عوامل زیادی مطرح شده است محرک‌های محیطی نامناسب مانند عدم پذیرش کودک، عدم محبت و حمایت کافی از سوی والدین، افراط در محبت، بی‌هدفی در خانواده، سردی کانون خانواده، عدم مراقبت و دلسوزی مادر، دلبستگی نامین در دوران کودکی، تاثیرات رفتاری نامناسب بر روی کودکان دارد (پاندیا و همکاران^۱، ۲۰۰۷، به‌نقل از تیموری و عطایی‌فر، ۱۳۸۹)، که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به ناتوانی والدین در مدیریت رفتار کودک و تعامل منفی والد-کودک اشاره کرد (بارت^۲ و همکاران، ۲۰۰۳؛ برادلی^۳، ۲۰۰۲؛ اسمارت^۴، ۲۰۰۱، به‌نقل از هالنشتین^۵، ۲۰۰۴؛ به‌نقل از بیرامی، ۱۳۸۸). پژوهش‌ها نشان دادند «زمان» مفهومی مهم در ارتباط بین مادر-کودک است. در نظریه‌های تحولی «زمان» به‌عنوان یک منبع یا وسیله ارزشمندی است که والدین آن را در فرزندان‌شان سرمایه‌گذاری می‌کنند (هوستون و آرونسون^۶، ۲۰۰۵ به‌نقل از خانجانی و محمود زاده، ۱۳۸۸). علاوه بر این، با توجه به رشد روزافزون مادران شاغل تمام وقت که ساعات طولانی در روز جدا از فرزند خود به سر می‌برند، بنابراین غیرمنطقی نیست اگر این مادران از لحاظ روانی و عاطفی برای کودکان خود غیرقابل دسترس باشند. کالیل^۷ و دیونی فون^۸ (۲۰۰۷) دریافتند نقش نظارتی مادر شاغل بر روی ابعاد مختلفی از زندگی کودک نسبت به مادران غیرشاغل بسیار کاهش می‌یابد و به‌واسطه این نظارت کمتر احتمال افزایش مشکلات رفتاری و تفاوت در سبک‌های فرزندپروری، بیشتر می‌شود. در همین راستا، کابرا^۹، هافرث^{۱۰} و هانکوک^{۱۱} (۲۰۱۴) دریافتند که ساعات بالای اشتغال مادران، در طی دو سال پیش‌بینی‌کننده بروز رفتارهای برون نمود در کودکانی هستند که دارای خودتنظیمی پایینی هستند. این در حالی است که خانجانی و محمودزاده (۱۳۹۲) نشان دادند کودکان مادران شاغل و غیرشاغل از نظر مشکلات رفتاری تفاوت معناداری با هم ندارند. هم‌چنین، نس^{۱۲} و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای نشان دادند که اشتغال مادر تنها در بروز رفتارهای درون‌سازی شده چون افسردگی/ اضطراب موثر است و رابطه-

-
1. Pandia
 2. Burt
 3. Bradley
 4. Smart
 5. Holenstein
 6. Huston & Aronson
 7. Kalil
 8. Dunifon
 9. Cabrera
 10. Hofferth
 11. Hancock
 12. Nes

بررسی رابطه ولی- فرزندى و اختلالات برون نمود در کودکان با مادر شاغل و غير شاغل

اى بين اشتغال مادران و رفتارهاى برون نمود وجود ندارد. مادران خانه دار به طور معنادارى شيوه تربيتى مقتدرانه ترى از مادران شاغل داشتند. ولى در شيوه فرزندپرورى تفاوت معنادارى بين دو گروه مشاهده نشد. به نظر مى رسد كه اشتغال مادر در بيرون از منزل به تنهاى تبين كننده مشكلات و اختلالات رفتارى و عاطفى كودك نيست و متغيرهاى مهم ديگرى مانند خصوصيات فردى چون شيوه هاى مقابله با استرس و خودپنداره (خدابخشى كولاىى، حسينيان و فلسفى نژاد، ۱۳۹۳) تمايل و اشتياق مادر به كار خود نقش مهمى دارد. از سويى ديگر، و بررسى رابطه ولى- فرزند، اختلالات برون نمود در كودكان و اشتغال مادران ما را بر آن داشت كه به منظور يافتن پاسخى روشنگر و قاطع در پى پژوهش در اين حيطه باشيم كه چه تفاوتى در رابطه ولى- فرزندى و اختلالات برون نمود در كودكان با مادران شاغل و غيرشاغل وجود دارد. لازم به ذكر است طى پژوهش هاى كه در زمينه ارتباط اشتغال مادران با اختلالات كودكان نتايج متناقضى به دست آمده است (خانجاني و محمودزاده، ۱۳۹۲) بنا بر اين انجام پژوهش هاى در اين زمينه براى جامعه در حال دگرگونى ما از اهميت وافرى برخوردار است.

روش پژوهش

روش پژوهش على- مقايسه اى است. جامعه آمارى اين پژوهش كليۀ مادران شاغل (۱۰۰ نفر) و غيرشاغل (۱۰۰ نفر) داراى كودكان پسر و دختر ۵ تا ۶ سالۀ مهدكودك هاى شهر اراك در سال تحصيلى ۹۴-۱۳۹۳ است. روش نمونه گيرى به صورت تصافى خوشه اى دومرحله اى است. به اين صورت است كه در هريك از مناطق شهرى (تقسيمات شهردارى اراك كه شامل چهار منطقه است) يك مهدكودك به صورت تصادفى انتخاب شد. در مجموع ۴ مهد انتخاب گرديد. پس از انتخاب مهدكودك ها، انتخاب نمونه ها آغاز گرديد. آزمودنى ها (مادران و كودكان) از اهداف پژوهش آگاه شدند. پس از كسب رضائت آگاهانه از آزمودنى ها پرسشنامه ها بين آن ها توزيع شد و از آن ها خواسته شد تا ضمن مطالعه كامل پرسشنامه به تمامى سوالات آن ها پاسخ دهند.

روش جمع آورى اطلاعات

در اين پژوهش ابزار گردآورى داده ها پرسشنامه مشكلات رفتارى كودك، ارزيايى رابطه والد- فرزند و سنجش وضعيت اشتغال مادران بود.

۱- سیاهه مشکلات رفتاری کودک (CBCL):^۱

این سیاهه یکی از فرم‌های نظام سنجش مبتنی بر تجربه آخنیخ است که توسط یکی از والدین براساس وضعیت کودک در شش ماه گذشته تکمیل می‌شود. در این سیاهه مقیاس‌هایی براساس اختلالات DSM-IV تنظیم شده است، که عبارتند از مشکلات انزوا/افسردگی، اضطراب/افسردگی، مشکلات بدنی، نارسایی توجه/ فزون-کنشی، نادیده گرفتن قوانین و رفتارهای پرخاشگرانه. از مجموع نمرات مقیاس‌های رفتار پرخاشگرانه و رفتارهای قانون‌شکنانه نمره کلی مشکلات برونی‌سازی شده به دست می‌آید. نقطه برش برای هر خرده مقیاس ۹۰-۹۷/۷ درصد و برابر نمره T ۶۷-۷۰ است، بدین معنی که نمره T پایین‌تر از ۶۷، بالاتر از ۷۰. بین ۶۷ و ۷۰ به ترتیب مشخص‌کننده افراد بهنجار، افراد دچار مشکلات رفتاری-هیجانی و افراد در مرز بالینی است (یزدخواستی و عریضی، ۱۳۹۰). نتایج هنجاریابی این سیاهه، نشان داد که ضرایب آلفای مقیاس‌های سندرمی مبتنی بر DSM-IV در سطح رضایت‌بخشی قرار دارد و دامنه آن از ۰/۶۴ تا ۰/۸۱ است. روایی سازه و محتوای این سیاهه نیز در هنجاریابی ایرانی مورد تأیید قرار گرفته است. نمرات برش در نسخه فارسی همانند نسخه اصلی است (مینایی، ۱۳۸۵، یزدخواستی و عریضی، ۱۳۹۰)

۲- پرسشنامه ارزیابی رابطه والد- فرزند (PCRS)^۲

این مقیاس یک ابزار ۲۴ سوالی برای سنجیدن رابطه‌ی کودک‌کان با والدین‌شان است. این مقیاس توسط فاین^۳، ورلی^۴ و شوبل^۵ (۱۹۸۳)، ساخته شده که این ابزار برای سنجیدن رابطه‌ی هر کودک و حتی خردسالان با والدینشان نیز مناسب است. مقیاس رابطه ولی- فرزند دو صورت دارد، یکی برای سنجیدن رابطه مادر با فرزند و دیگری برای سنجیدن رابطه پدر با فرزند. هر دو فرم مقیاس یکسان است، به جز این که کلمه مادر یا پدر عوض می‌شوند (ثنایی‌ذاکر، ۱۳۸۷). در این پژوهش، از فرم مربوطه به رابطه ولی با فرزند استفاده شده است. پرسشنامه از چهار عامل تشکیل شده است: عاطفه‌ی مثبت شامل ۱۵ ماده، آزرده‌گی و سردرگمی نقش شامل ۲ ماده، همانندسازی نقش شامل ۳ ماده و ارتباط و گفت و شنود شامل ۷ ماده. مقیاس رابطه‌ی ولی-فرزند با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۱ تا ۰/۹۶ برای خرده‌مقیاس‌های رابطه مادر گزارش شده است. پرهیزگار (۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود پایایی این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ

1. Child Behavior Checklist
2. parent-child relationship survey (pcrs)
3. Fine
4. Worley
5. Schewebel

بررسی رابطه ولی- فرزند و اختلالات برون نمود در کودکان با مادر شاغل و غیر شاغل

برای فرم مادر ۰/۹۲ محاسبه کرد که نشان داد این پرسشنامه از همسانی درونی عالی برخوردار است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا شاخص‌های مربوط به آمار توصیفی (میانگین، واریانس، انحراف معیار) محاسبه گردید، سپس با بهره‌گیری از آزمون T مستقل برای فرضیه‌های مربوط، به بررسی تفاوت‌ها پرداخته شد. کلیه داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS ۱۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

بحث و نتیجه‌گیری

در جدول ۱ اطلاعات جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها ارائه شده است. ۵/۵۰٪ مادران در طیف سنی ۳۰-۳۵ سال و ۳۰٪ نادران دارای مدرک فوق دیپلم هستند.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها

متغیر		شاغل		غیرشاغل		کل	
سن	زیر ۳۰ سال	۳۱	۳۱٪	۴۱	۴۱٪	۷۲	۳۶٪
	بین ۳۰ تا ۳۵ سال	۵۹	۵۹٪	۴۲	۴۲٪	۱۰۱	۵۰٫۵٪
	بین ۳۶ تا ۴۰ سال	۵	۵٪	۱۰	۱۰٪	۱۵	۷٫۵٪
	بیش از ۴۰ سال	۵	۵٪	۷	۷٪	۱۲	۶٪
تحصیلات	دیپلم	۲۲	۲۲٪	۴۰	۴۰٪	۶۲	۳۱٪
	فوق دیپلم	۳۳	۳۳٪	۳۵	۳۵٪	۷۸	۳۹٪
	لیسانس	۲۵	۲۵٪	۲۰	۲۰٪	۴۵	۲۲٫۵٪
	فوق لیسانس و بالاتر	۲۰	۲۰٪	۵	۵٪	۲۵	۱۲٫۵٪

براساس جدول ۲، رابطه‌ی ولی فرزند و بین کودکان دارای مادر شاغل و کودکان دارای مادر غیرشاغل متفاوت است و این متغیر در کودکان دارای مادر غیرشاغل وضعیت مناسب‌تری دارد ($t=6.84, df=198, \text{sign}=0.001$). همچنین، تفاوت معناداری در دو گروه از مادران شرکت‌کننده در پژوهش یعنی مادران شاغل و غیرشاغل از نظر اختلالات برون نمود کودکان دیده نشده است ($t=0.261, df=198, \text{sign}=0.235$).

جدول ۲. آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین دو گروه از مادران شرکت‌کننده در پژوهش در متغیر رابطه والد - فرزندی و اختلالات برون‌نمود

متغیر	گروه	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	T	سطح معناداری
رابطه والد- فرزند	مادران شاغل	۱۰۰	۱۳/۹۳	۲/۶۷	۱۹۸	۶,۸۴	۰/۰۰۱
	مادران غیر شاغل	۱۰۰	۱۶/۹۷	۳/۵۳			
اختلالات برون نمود	مادران شاغل	۱۰۰	۴۸/۹۹	۲۱/۴۳	۱۹۸	۰,۲۶۱	۰/۲۳۵
	مادران غیر شاغل	۱۰۰	۴۹/۸۱	۲۲/۹۵			

در پژوهش حاضر به بررسی رابطه والد-فرزندی و اختلالات برون‌نمود در کودکان دارای مادران شاغل و غیرشاغل پرداخته شد. نتایج حاکی از تفاوت معنادار در رابطه ولد- فرزند در مادران شاغل و غیرشاغل است، این یافته با نتایج برخی از پژوهش‌ها همسو است (کروتر^۱ و بامپوس^۲، ۲۰۰۱؛ روترز^۳، ون در لیپه^۴ و کلوئر^۵، ۲۰۱۰). همچنین، بی‌یر^۶ (۱۹۹۵) نشان داد که اشتغال مادر بر روی سبک فرزندپروری و رابطه ولی- فرزند تأثیر می‌گذارد و این نیز به نوبه خود به‌عنوان یک متغیر واسطه‌ای روی پیشرفت تحصیلی فرزندان تأثیر دارد. به‌عبارتی اشتغال مادران زمان اختصاصی به کودکان را کاهش می‌دهد، اما مادرانی که زمان خود را مدیریت می‌کنند و در واقع کنترلشان بر زندگی کودک را حفظ می‌کنند، کودکان‌شان مشکلات رفتاری کمتری دارند (بیانچی^۷، ۲۰۰۰؛ جکسون^۸ و همکاران، ۲۰۰۰؛ هوتسون^۹ و روزنکرانتز ارونسون^{۱۰}، ۲۰۰۵).

از سوی دیگر، اگر اشتغال مادر قبل از ۹ ماهگی کودک اتفاق بیفتد، ارتباط منفی با رشد شناختی کودک دارد. ولی اشتغال مادر در سنین بعد از دو-سه سالگی کودک ارتباط مثبتی با رشد شناختی کودک دارد (ولدفوجل^{۱۱}، هان^{۱۲}، بروکز^۱، ۲۰۰۲). بنابراین رابطه ولی- فرزندى در

1. Crouter
2. Bumpus
3. Roeters
4. Van Der Lippe
5. Kluwer
6. Beyer
7. Bianchi
8. Jackson
9. Huston
10. Rosenkrantz Aronson
11. Waldfogel
12. Han

بررسی رابطه ولی- فرزند و اختلالات برون نمود در کودکان با مادر شاغل و غیر شاغل

مادران شاغل و غیرشاغل به عوامل مختلفی بستگی دارد که با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی شهر اراک و محیطی که این پژوهش در آن صورت گرفته است رابطه ولی-فرزند در بین کودکان دارای مادر شاغل و کودکان دارای مادر غیرشاغل متفاوت بود.

دومین یافته پژوهش حاضر نشان داد، تفاوت معنی داری بین کودکان مادران شاغل و غیرشاغل از لحاظ مشکلات رفتاری وجود ندارد. این یافته با نتایج برخی از پژوهش‌ها همسو و با برخی غیر همسو است. برخی یافته‌ها نشان داده‌اند، اشتغال مادران رابطه معنی داری با مشکلات رفتاری کودکان ندارد (برگر^۲ و همکاران، ۲۰۰۷؛ هاروی^۳، ۱۹۹۹، مور^۴ و دریسکول^۵، ۱۹۹۷؛ گلدبرگ^۶ و همکاران، ۲۰۰۸؛ خانجانی و محمودزاده، ۱۳۹۲؛ میلیکی^۷، نومآگوچی^۸ و دنی^۹، ۲۰۱۵). هم‌چنین نتایج مطالعات دانیل^{۱۰} و همکاران (۲۰۰۹) نشان داد در صورتی که ساعات کاری روزانه مادر به صورت استاندارد کمتر از ۳۶ ساعت در هفته باشد تفاوت معنی داری بین مشکلات رفتاری کودکان مادران شاغل و خانه‌دار وجود ندارد. در پژوهشی کلارک-استوارت^{۱۱} و ماینر^{۱۲} (۲۰۰۸) نشان دادند حضور کودک در مهد به علت اشتغال مادر دارای تاثیرات منفی و مثبت است به این معنا که نگهداری کودک در مراکز مراقبتی با کیفیت بالا موجب رشد شناختی، کلامی و اجتماعی در کودکان می‌شود و بالعکس. در مطالعه‌ای دیگر کوتاه و همکاران (۲۰۰۸) دریافتند کودکانی که به مهد کودک رفته‌اند و تحت مراقبت غیرمادرانه بوده‌اند نسبت به کودکانی که به مهد کودک نرفته‌اند (تحت مراقبت مادرانه) از پرخاشگری و مشکلات رفتاری بالاتری برخوردار هستند. اما این مسئله فقط در مورد طبقات پایین اجتماع با درآمد پایین (زاچریسون و دیرینگ^{۱۳}، ۲۰۱۵؛ لارسون، ۲۰۱۵) صادق بود یعنی در طبقات اجتماعی بالا و متوسط تفاوت معنی داری بین این دو گروه از کودکان مشاهده نشد. بنابراین می‌توان گفت، اگر شرایط خانوادگی، کیفیت مهد کودک، تعداد ساعات اقامت در مهد کودک را ثابت نگه داریم تفاوت معنی داری از لحاظ مشکلات

-
1. Brooks
 2. Berger
 3. Harvey
 4. Moore
 5. Driscoll
 6. Goldberg
 7. Milkie
 8. Nomaguchi
 9. Denny
 10. Daniel
 11. Clarke _ Stewart
 12. Miner
 13. Zachrisson & Dearing

رفتارى بين کودکان مادران شاغل و غيرشاغل وجود ندارد. در مورد يافته‌هاى اين پژوهش نيز مى‌توان اين طور نتيجه گرفت که به دليل هم سطح بودن كيفى مهدکودک‌هاى شهر اراک تفاوت معنى‌دارى، بين کودکان مادران شاغل و غيرشاغل از نظر مشکلات رفتارى مشاهده نشد.

به عبارت ديگر يک تبیین کلی آن است که اشتغال مادران به تنهائی قدرت پيش‌بینی اختلافات روانی و رفتاری را در کودکان ندارد و به نظر مى‌رسد عوامل درون گروهی متعددی از جمله سن کودک در هنگام جدایی روزانه از مادر، طول مدت جدایی روزانه تمام وقت يا نيمه وقت، نوع مراقبت اعمال شده در غياب مادر، كيفيت مهد کودک يا مراکز مراقبت روزانه، چگونگی رفتارهای جبرانی مادر هنگام بازگشت به منزل، سبک والدری مادر و پدر، میزان مشارکت پدر در مراقبت از کودک در غياب مادر و ديگر متغیرهای واسطه‌ای موثر بين رابطه اشتغال مادر با مشکلات رفتاری کودک محسوب مى‌شوند و اين رابطه يک ارتباط مستقيم خطی نبوده و توسط عوامل متعددی تعديل مى‌شود.

روشن است که درباره نتایج اين پژوهش بايستی از تعميم گسترده خوددارى کرد و محدوديت‌هاى آن را در نظر گرفت: نخست آن که نمونه محدود به شهر اراک است، به علاوه متغیرهای ديگرى چون متغیرهای ديگرى نظير نوع شغل مادر و میزان استرس‌های شغلی در نظر گرفته نشد. در راستای پيشگيری از اختلافات کودکان و بهبود تعامل والد-کودک مى‌توان راه‌حل‌ها و پيشنهادهائی ارائه کرد نخست آن‌که، بر مبنای فاکتورهای تعديل‌کننده که در پژوهش ذکر شد مى‌توان پيشنهادهای نمود قوانین از مادران و کودکان حمايت بيشتري کند و شرايطی را فراهم سازند تا مادران شاغل بتوانند حداقل در ۲ سال اول زندگى که جدایی روزانه بيشتريين تاثير را بر کودک مى‌گذارد، خود از فرزندشان مراقبت نمايند. به طوری که مادران بتوانند بدون هراس از دست دادن شغل و سمت خود به راحتی در اين سال‌های حساس مراقبت از کودک خود را به عهده گيرند. هم‌چنين، با آموزش‌های مدون به مادران جوان شاغل مى‌توان آن‌ها را آماده ساخت تا به جبران فقدان حضور فيزيکی خود پرداخته و در ساعاتی که در خانه هستند حتماً اوقاتى متناسب و کافي را در اختيار کودک باشند تا نیازهای روان‌شناختی او را تامين نمايند. در واقع اين مادران بايد بتوانند تعادلی بين محرک‌های رقيب با مراقبت از کودک برقرار نمايند و همواره مراقبت کافي عاطفی از کودک را به هر محرک رقيب ديگر مانند خانه‌دارى ترجيح دهند.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران از همکارى تمامی مسئولین و کارکنان مهدهای شهر اراک و مادران، در اجرای اين پژوهش، کمال قدردانی و تشکر را دارند.

بررسی رابطه ولی- فرزندى و اختلالات برون نمود در کودکان با مادر شاغل و غير شاغل

منابع

بیرامی، منصور (۱۳۸۸). تاثیر آموزش مهارت‌های فرزندپروری به مادران پسران دبستانی مبتلا به اختلالات برونى‌سازى شده بر سلامت روانى و شیوه‌های تربیتی آن‌ها، مجله علمى پژوهشى اصول بهداشت روانى، سال ۱۱، شماره، ۴۲، ص ۱۰۵-۱۱۴.

پرهيزكار، آذردهت؛ محمودنيا، عليرضا و محمدى، شهناز (۱۳۸۸). مقایسه کیفیت رابطه والد-فرزند در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی دارای بحران هویت و فاقد بحران هویت. فصلنامه روان‌شناسى کاربردى، سال ۳، شماره ۲، ص ۸۲-۹۳.

تیمورى فر، سعید؛ عطایی فر، راشین (۱۳۸۹). رابطه‌ی تنیدگی مادر و اختلالات رفتارى و عاطفی کودک، فصلنامه اندیشه و رفتار روان‌شناسى بالینى، سال چهارم، شماره ۱۶، ص ۱۷-۲۶.

جلالی، محسن و همکاران (۱۳۸۸)، تاثیر آموزش فرزندپروری مثبت بر کاهش اختلالات برونى‌سازى شده در کودکان ۷ تا ۱۰ ساله، فصلنامه علمى پژوهشى دانشگاه تبریز، سال چهارم، شماره ۱۳، ص ۴۳-۲۲

حسن‌زاده، محمد؛ چراغی، مه‌رزاد (۱۳۹۰). بررسی رابطه ولی-فرزندى و خودکارآمدگی اجتماعى نوجوانان، دومین همایش ملی روان‌شناسى، تهران، ایران.

خانجانی، زینب؛ محمودزاده، رقیه (۱۳۹۲). فصلنامه علمى پژوهشى زن و فرهنگ، سال چهارم، شماره ۱۶، ص، ۳۷-۵۲.

خدابخشى کولایى، آناهیتا؛ حسینیان، سیمین؛ فلسفى‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۳). مقایسه شیوه‌های مقابله با استرس و خودپنداره در زنان متأهل تحصیلكرده شاغل و غيرشاغل، فصلنامه روان پرستارى، سال ۶، شماره ۱۸، ص ۹-۲۱.

خدایارى فرد، محمد و یاسمین عابدینی (۱۳۸۲). خانواده درمانى اختلال وسواس بی‌اختیارى - کودکان و نوجوانان با تاکید بر فنون شناختى - رفتارى. مجله علوم روان‌شناختى، سال ۲، شماره ۶، ص ۱-۲۱. مینایی، اصغر (۱۳۸۵). انطباق و هنجاریابی سیاهه رفتارى کودک آخنباخ، پرسش‌نامه خودسنجى و فرم گزارش معلم. پژوهش در حیطه کودکان استثنایى ۱۹. سال ۶، شماره ۱، ص ۵۲۹-۵۵۸.

Berger, L., Brooks-Gunn, J., Paxson, C., & Waldfogel, J. (2008). First-year maternal employment and child outcomes: Differences across racial and ethnic groups. *Children and Youth Services Review*, 30(4), 365-387.

Beyer, S. (1995). Maternal employment and children academic achievement: parenting styles as mediating variable. *Developmental Review*, 15(2), 212-253.

Bianchi, S. M. (2000). Maternal employment and time with children: Dramatic change or surprising continuity? *Demography*, 37(4), 401-414.

Cabrera, N. J., Hofferth, S. L., & Hancock, G. (2014). Family structure, maternal employment, and change in children's externalizing problem behaviour: Differences by age and self-regulation. *European Journal of Developmental Psychology*, 11(2), 136-158.

- Costin, J., Lichte, C., Hill-Smith, A., Vance, A., & Luk, E. (2004). Parent group treatments for children with oppositional defiant disorder. *Australian e-Journal for the advancement of mental health*, 3(1), 36-43.
- Côté, S. M., Borge, A. I., Geoffroy, M. C., Rutter, M., & Tremblay, R. E. (2008). Nonmaternal care in infancy and emotional/behavioral difficulties at 4 years old: moderation by family risk characteristics. *Developmental Psychology*, 44(1), 155-168.
- Crouter, A. C., & Bumpus, M. F. (2001). Linking parents' work stress to children and adolescents' psychological adjustment. *Current Directions in Psychological Science*, 10(5), 156-159.
- Daniel, S.S., Grzwacz, J.G., Leerkes, E.s. Tucker, J. Wen-Juihan. (2009). Nonstandard maternal work schedules during infancy: Implications for children early behavior problems. *Infant Behavior and Development*, 32(2), 195-207.
- Fine, M. A., Worley, S. M., & Schwebel, A. I. (1985). The parent-child relationship survey: An examination of its psychometric properties. *Psychological reports*, 57(1), 155-161.
- Gimpel, G.A., Holland, M.L. (2003). Emotional and behavioral problem of young children: Effective intervention in the preschool and kindergarten years. 1st ed. New York: Guildford, 400-27.
- Goldberg, Wendy A. Prause, J. Lucas-Thompson, R. Himsel, A. (2008). Maternal employment and children's achievement in context: A meta-analysis of four decades of research. *Psychological Bulletin*, 134(1), 77-108.
- Harvey, E. (1999). Short-Term and Long-Term Effects of Early Parental Employment on Children of the National Longitudinal Survey of Youth. *Developmental Psychology*, 35(2):445-459.
- Huston, A. C., & Rosenkrantz Aronson, S. (2005). Mothers' time with infant and time in employment as predictors of mother-child relationships and children's early development. *Child development*, 76(2), 467-482.
- Kalil, A., & Dunifon, R. (2007). Maternal work and welfare use and child well-being: Evidence from 6 years of data from the Women's Employment Study. *Children and Youth Services Review*, 29(6), 742-761.
- Kazdin, A. E., & Whitley, M. K. (2003). Treatment of parental stress to enhance therapeutic change among children referred for aggressive and antisocial behavior. *Journal of consulting and clinical psychology*, 71(3), 504-515.
- Larson, A. M. (2015). The Role of Maternal Employment Characteristics in Explaining the Impact of Income Changes on Child Behavior. In Society for Social Work and Research 19th Annual Conference: The Social and Behavioral Importance of Increased Longevity. Sswr.
- Milkie, M. A., Nomaguchi, K. M., & Denny, K. E. (2015). Does the Amount of Time Mothers Spend With Children or Adolescents Matter?. *Journal of Marriage and Family*, 77(2), 355-372.
- Miner, J. L., & Clarke-Stewart, K. A. (2008). Trajectories of externalizing behavior from age 2 to age 9: relations with gender, temperament, ethnicity, parenting, and rater. *Developmental psychology*, 44(3), 771-786.
- Moore Kristin, A., Driscoll, A. K. (1997). Low-Wage Maternal Employment and Outcomes for Children: A Study. *The Future of Children*. 7(1):122-127

بررسی رابطه ولی-فرزندى و اختلالات برون نمود در کودکان با مادر شاغل و غير شاغل

- Nes, R. B., Hauge, L. J., Kornstad, T., Kristensen, P., Landolt, M. A., Eskedal, L. T., ... & Vollrath, M. E. (2014). The Impact of Child Behaviour Problems on Maternal Employment: A Longitudinal Cohort Study. *Journal of family and economic issues*, 35(3), 351-361.
- Roeters, A., Van Der Lippe, T., & Kluwer, E. S. (2010). Work Characteristics and Involvement. *Journal of Marriage and Family*, 72(5), 1317-1328.
- Sung, V., Hiscock, H., Sciberras, E., & Efron, D. (2008). Sleep problems in children with attention-deficit/hyperactivity disorder: prevalence and the effect on the child and family. *Archives of Pediatrics & Adolescent Medicine*, 162(4), 336-342.
- Waldfoegel, J., Han, W. J., & Brooks-Gunn, J. (2002). The effects of early maternal employment on child cognitive development. *Demography*, 39(2), 369-392.
- Zachrisson, H. D., & Dearing, E. (2015). Family Income Dynamics, Early Childhood Education and Care, and Early Child Behavior Problems in Norway. *Child development*, 86(2), 425-440.